دوفصلنامه علمی ـ تخصصی انجمن فقه سیاسی
سال نهم / شماره ۱۰ پاییز و زمستان ۱۴۰۰

Two quaterly scientific- specified political islamic jurisprudence association
Year 9, No 10 , Autumn & Winter 2021

گستره‌ی مشورت در نظام نوین اسلامی با تأکید بر فقه سیاسی

□ سید محمدعلی موسوی *

چکیده

اسلام نگاه ژرف، گسترده و کاربردی به مشورت دارد. پیامبر ص، پیشوایان پاک و خلیفه دوم همواره درکارهای سیاسی و فردی شان با شایستگان رایزنی می‌کردند. برای همین، گستره‌ی مشورت در کل نظام نوین زندگی، از قرآن و روایت‌های اهل‌بیت ع، گردآمد. پیشینه، چیستی، فرآیند مشورت، بایدها و نبایدهای گزینش مشاوران و دستامدهای مشورت، مطلب‌های اصلی مقاله را سامان می‌دهند. سامان دهی تازه و توصیف همه جانبه با تحلیل نو از مشورت با تطبیق آن بر زندگی اجتماعی و فردی، نخستین بار در این نوشته به چشم می‌آید.

کلید واژگان: مشورت، پیشینه، فرآیند، مشاوران، دستامدها

* دانش آموخته سطح چهار جامعة المصطفی ﷺ العالمیة

مقدمه

در این نوشته، گستره‌ی مشورت در نظام نـوین زنـدگی اسـلامی، برپایـه‌ی داده‌هـای وحیـانی توصیف و تحلیل مـی‌گـردد. مفهـوم مشـورت، برداشـت مفسـران، ماهیـت و فرآینـد مشـورت، شایستگان مشورت دهنده و ناشایسـتگان و دسـتامدها، سرفصـل‌های کلـی نوشـته پـیش رواند. داده‌های وحیـانی ایـن نوشـته، بیشـتر در قالـب روایت‌هـای اهل‌بیـت ع، بـا یافتـه‌های عقلانـی هماهنگی کامل دارند. مشورت با خردمنـدان، متخصصـان، تجربـه داران، پرهیزگـاران و دوری از خودکامگان، بی‌خردان، بخیلان، ترسویان و مخالفان عقل و منطق، گویـای ایـن همـاهنگی‌انـد. چنانکه پشیمان نشدن از عمل، رسیدن به هدف، دوری از نابودی، افزایش تجربه و آزمـون افـراد و آسایش و آرامش، به دست آمده در پرتو مشورت بـا یافتـه‌های علمـی و عقلـی همـاهنگی کامـل دارند.

پیشینه مشورت

رایزنی به درازای عمر بشر و تاریخ اسلام دیرینه دارد و پدیده نوبرآمده از مکتب‌هـایی غـرب و شرق نیست. انصار مدینه، پیش از آمدن پیامبر ص، نیز هرگاه کار مهمی را می‌خواستند بکننـد، بـا یکدیگر مشورت می‌کردند و بر همان رأی برآمده از مشورت عمل؛ برای همین رایزنی و بهره وری از خرد جمعی، خداوند آنان را می‌ستاید. (الجامع لأحکام القرآن، ج١٦، ص: ٣٧)

در جنگ احد، رسول خدا ص، اصحاب را گردآورد و با آنها مشورت کرد کـه از مدینـه بیـرون روند یا بمانند؟ گروهی از مردم و خود آن حضرت مایل بودند مردم در مدینه بمانند و قریش را بـه حال خود گذارند. اگر بدون یورش در بیرون بمانند کاری از پـیش نخواهنـد بـرد و اگـر بـه شـهر درآیند مسلمانان دفاع می‌کنند.

در برابر گروهی از مسلمانان که در جنگ بدر حضور نداشتند، می‌خواستند غیبت خـود را در آن روز جبران کنند. آنان گفتند: یا رسول اللّه! ما را برای جنگ با دشمن از مدینه بیرون ببر تا خیـال نکنند ما از آنها ترسیدیم یا از روی ناتوانی در شهر مانده‌ایم.

عبد اللّه بن أبیّ اظهار کرد: یا رسول اللّه! در مدینه بمان و بیرون مرو چون ما تجربه کرده‌ایم که هر گاه دشمنی به ما حمله کرده اگر بیرون رفته‌ایم، بر ما پیروز شده‌اند و چون در شهر بوده‌ایم آنها شکست خورده‌اند. اکنون نیز قریش را به حال خود واگذار تا اگر خواست در جای خود بمانند که در تنگنائی سخت دچار شوند و اگر به شهر بریزند مردان ما از جلو با آنها جنگ کنند و زنان و بچه‌ها از روی بامها آنان را سنگسار و سرانجام ناچار شوند از همان راهی که آمده‌اند سرافکنده باز گردند.

پس از گفتگوهای فراوان، رأی طرفداران بیرون رفتن از مدینه بیشتر شد و نظر فرستاده‌ی خدا را نیز با خود همراه کردند. پس از اینکه رسول خدا ص، نماز جمعه را خواند برای پوشیدن لباس جنگ به خانه رفت. در این هنگام یکی از انصار بنام مالك بن عمرو از دنیا رفته بود. برای اینکه در جنازه‌اش حضرت حاضر شود و نماز بخواند زودتر از خانه بیرون آمد و پس از نماز میت در حالیکه لباس جنگ پوشیده بود نزد اصحاب رفت.

در این مدت که رسول خدا ص، به خانه رفت و برگشت؛ آنانکه روی بیرون رفتن اصرار داشتند از پافشاری خود پشیمان شده با خود گفتند: ما چرا باید با نظریه پیغمبر خدا مخالفت کنیم و او را وادار به خروج از شهر. از این رو هنگامی که رسول خدا ص بازگشت، گفتند: یا رسول اللّه ما تو را مجبور بخروج از شهر کردیم در صورتی که حق نداشتیم با تو مخالفت کنیم. اکنون پشیمان شده‌ایم و اگر مایل باشی ما هم در شهر می‌مانیم! حضرت فرمود: اکنون دیگر گذشته است؛ زیرا وقتی پیغمبری لباس جنگ پوشید تا جنگ نکند سزاوار نیست آنرا از تن بیرون آورد. بدین ترتیب آن جناب با هزار نفر از اصحاب برای جنگ احد خارج شد و ابن ام مکتوم را در شهر مدینه جای خود منصوب کرد. (سیره رسول خدا، ۵۰۷؛ زندگانی محمد(ص) ج۲، ص:۸۹)

لشکر اسلام در جنگ بدر نیز با فرمان پیغمبر ص، می‌خواستند در نقطه‌ای اردو بزنند. یکی از یارانش بنام «حباب بن منذر»، عرض کرد: ای رسول خدا ص! این محلی را که برای لشگرگاه انتخاب کرده اید، با فرمان خدا است که تغییر آن جایز نباشد و یا صلاح‌دید خود شما؟

پیامبر ص فرمود: فرمان خاصی در آن نیست. ابن منذر عرض کرد: اینجا به این دلیل و آن دلیل جای مناسبی برای اردوگاه نیست دستور دهید لشکر از این محل حرکت کند و در نزدیکی

آب برای خود محلی انتخاب نماید. پیغمبر اکرم ص نظر او را پسندید و مطابق رأیش عمل کرد. (تفسیر المنار ج ٤ ص ۲۰۰)

به باور ما شیعیان پیامبر ص، علم غیب داشت و معصوم مطلق بود. پس هیچ کاستی و کژی در انگیزه، اندیشه و گفتار و رفتار اجتماعی، نظامی، سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و فردی آن حضرت وجود نداشت. با این وجود چرا مشورت کرد با آنکه خودش پیروزی و شکست آینده را می‌دانست؟

پاسخ: فرستاده‌ی خدا با این رفتار به همگان آموخت که اصل «مشورت» کردن در تمام کارهای فردی و اجتماعی ضرورت گریز ناپذیر دارد، هرچند شخص دانا و متخصص باشد. دوم، شریک کردن دیگران در کارها است تا جلو مخالفت احتمالی گرفته شود و همگی این کار و برنامه را از خود بدانند نه شخص پیامبر تا در پیروزی و شکست شریک باشند. سوم، تمام کارها به پختگی کامل برسد و همه جانب آن بررسی و سنجش گردد. چهارم، استبداد فکری در جامعه نهادینه نشود؛ چون ذات قدرت چه مسلمانی چه کافری، تمامیت خواهی دارد و نمی‌گذارد دیگران در برابرش بایستند. وقتی یک رأی در جامعه به رسمیت شناخته شد و دیگر رأی‌ها بی اعتبار، سست یا مخالف، تمام استعدادهای اشخاص مستعد و شایسته از بین می‌رود و سرمایه‌های بشری نابود می‌شوند. پنجم، دوست و دشمن هنگام مشورت شناخته می‌شوند و همین طور شایستگی‌ها و دیگر حقایق نهفته و آشکار در آن زمان. حضرت می‌خواست دوستان و دشمنان مسلمانان را به آنان بشناساند. ششم، برای نرم کردن و نزدیک کردن دل‌های یارانش مشورت می‌کردند؛ تألیفا لقلوب أصحابه. (حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین، ج۳، ص: ٤٣٤)

امیرمومنان علی ع، نیز در کارهای حکومت با دوستان خود مشورت می‌کرد. وی به عبد اللّه پسر عباس در باره نظری که داده بود و امام موافق آن نبود فرمود: سزاواراست که تو به من نظر دهی، آنگاه من بیندیشم و اگر نپذیرفتم از من فرمانبرداری کنی. (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۱)

عمر، خلیفه دوم، در جاهای گوناگون با صحابه رسول خدا ص، مشورت می‌کرد. در مسایل قضایی ده‌ها بار نظر امام را بر نظر خودش ترجیح داد. در تاریخ گذاری هجری با صحابه مشورت

کرد و رأی امام علی را در باره تعیین هجرت رسول خدا به عنوان سرآغاز تاریخ اسلامی پذیرفت. نمونه‌ی دیگر مشورت با علی بن أبی طالب، در باره سرزمین‌های عراق بود که باز هم نظر امیرمومنان را پذیرفت. نمونه دیگر مشورت با حضرت علی و دیگران در باره خروج از مدینه در جنگ با ایرانیان بود و تعیین فرمانده برای نیروهای ایرانیان. عمر در ضرورت مشورت با انصار گفت: و أن یشاوروا فی الامور. (تاریخ خلفا، ۱۳۵)

سیوطی، از امام حسن مجتبی ع مشورت را هدایت مردم می‌داند و بالندگی فعالیت هایشان در تمامی زمینه‌های اجتماعی و فردی. عن الحسن رضی الله عنه قال: ما تشاور قوم قط الا هدوا و أرشد أمرهم ثم تلا وَ أَمْرُهُمْ شُورى بَيْنَهُمْ. وی باسند ابن عمر از پیامبر ص، مشورت را بالندگی کارها و برنامه‌ها می‌شناساند. (الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج٦، ص: ۱۰)

صدوق، به نقل از پیامبر ص، مشورت را راهنمایی و بالندگی می‌شناساند. ما من رجل یشاور أحدا إلّا هدی إلی الرّشد. امام صادق ع، مشورت را در تمامی کارها حتا گردشگری ضروری می‌داند.

عن أبي عبد اللّه ع قال: قال لقمان لابنه: إذا سافرت مع قوم فأكثر استشارتهم في أمرك و أمورهم.

آن حضرت، تکاپوی اندیشه، تلاش برای مشورت، به پختگی رسیدن مشورت و کردار برپایه آن را در تمام کارها ضروری می‌شمارد. پس اگر شخص مشورت نپذیرد امانت خداوند، از دستش می‌رود.

و أجهد رأيك إذا استشاروك، ثمّ لا تعزم حتّى تثبت و تنظر، و لا تجب في مشورة حتّى تقوم فيها و تقعد و تنام و تأكل و تصلّي و أنت مستعمل فكرتك و حكمتك في مشورتك، فإنّ من لم يمحص النّصيحة لمن استشاره سلبه اللّه رأيه و نزع عنه الأمانة. (من لایحضره الفقیه ۲، ۱۹٤، ح ۸۸٤؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج۱۱، ص: ۵۳۳)

برقی، از امام رضا ع، روایتی می‌آورد که آن حضرت از مشورت پیامبر ص، با اصحابش هنگام بیرون رفتن در جنگ احد از مدینه خبر می‌دهد. پس وقتی پیامبر ص، مشورت می‌کند، دیگران به طریق اولی باید در کارهای کلان و خرد مشورت کنند.

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ قَالَ هَلَكَ مَوْلًى لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع يُقَالُ لَهُ سَعْدٌ فَقَالَ أَشِرْ عَلَيَّ بِرَجُلٍ لَهُ فَضْلٌ وَ أَمَانَةٌ فَقُلْتُ أَنَا أُشِيرُ عَلَيْكَ فَقَالَ شِبْهَ الْمُغْضَبِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ يَسْتَشِيرُ أَصْحَابَهُ ثُمَّ يَعْزِمُ عَلَى مَا يُرِيدُ. برقی از امام صادق ع، نیز مشورت دهی را می‌آورد برای مردی که گره کارش با مشورت باز شده بود.

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ اسْتَشَارَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَرَّةً فِي أَمْرٍ فَقُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ مِثْلِي يُشِيرُ عَلَى مِثْلِكَ قَالَ نَعَمْ إِذَا اسْتَشَرْتُكَ. (المحاسن، ج۲، ص: ٦٠١)

آمدی در غرر، از امام علی ع، مشورت را پیش از هر اقدام عملی و تصمیم نظری قطعی می‌داند. تَفَكَّرْ قَبْلَ أَنْ تَعْزِمَ وَ شَاوِرْ قَبْلَ أَنْ تُقْدِمَ وَ تَدَبَّرْ قَبْلَ أَنْ تَهْجُمَ. غرر الحکم: (۳۰۵/ ۳).

در جای دیگر امام علی ع، مشاوره را پیش از اراده و اندیشیدن را پیش از اقدام عملی می‌داند. شَاوِرْ قَبْلَ أَنْ تَعْزِمَ وَ فَكِّرْ قَبْلَ أَنْ تُقْدِمَ. غرر الحکم و درر الکلم: (۱۷۹/ ٤).

پیشوایان پاک ما با آنکه معصوم بودند و علم غیب داشتند، مشورت می‌کردند حتا با خدمت کاران شان. وقتی از آنان پرسیده می‌شد چرا با این خدمت کاران مشورت می‌کنید؟ در پاسخ می‌گفتند: چه بسا خداوند زبان آنان را بگشاید و حق را برزبان شان جاری کند و ما به حق برسیم. بیشتر مشورت آنان در کارهای دنیای باغ و چمنزار و چیزهای دیگر بود. اما وقتی مشورت می‌کردند، همواره بدان پایبندی داشتند. (المحاسن، ج۲، ص: ٦٠٢)

ابن ابی الحدید می‌نگارد: مشوره کننده همواره طرف رهایی است و مشورت کردن از اراده نیک. وی مشورت را در آمیختن خرد و رسیدن به صواب می‌داند و نظر مشورت دهنده را شیرین تر از نظر مشوره گیرنده می‌شمارد. (شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج۱۸، ص: ۳۸۳)

مفید، از پیشوایان پاک مشورت را در هر کاری سزاوار می‌داند تا راه برون رفت از بن بست را برای ما بنمایاند.

ثُمَّ الْمَشُورَةُ فِي كُلِّ أَمْرٍ جَرَى بَيْنَهُمْ حَتَّى يُجِيبَهُمْ بِالْمَخْرَجِ. (الاختصاص مفید: ١٤٩)

افزون بر سیره رسول خدا ص و پاک پیشوایان و روایت‌های فراوان، قرآن کریم در چند آیه به مسلمانان دستور می‌دهد کارهای خرد و کلان شان را با مشورت میان خود انجام دهند. آیه‌ی زیر به همین مهم اشاره می‌کند.

وَ الَّذینَ اسْتَجابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ أَمْرُهُمْ شُوری بَیْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْناهُمْ یُنْفِقُونَ. شوری: (۳۸)

آنانکه فراخوان پروردگارشان را (در تمام دین و همه معرفت، قوانین، اخلاق و باورها) گردن نهاده‌اند و نماز را بر پا داشته‌اند و کارشان رایزنی میان همدیگر است و از آنچه روزیشان داده‌ایم می‌بخشند.

الف – مفهوم شوری

أمر در آیه دو معنی دارد: یکی برنامه‌ها و کارها و چیزها، که جمع آن امور است مثل إِلَی اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ. بقره: ۲۱۰؛ تمام چیزها به خدا بر می‌گردند. دوم، دستور و فرمان یا طلب انجام کاری. در این صورت، امر ضد نهی می‌شود مانند قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ. اعراف: ۲۹؛ بگو خدایم به دادگری عملی فرمان داده است. گزیده آنکه أمر یا قولی است و یا فعلی، قولی بمعنی دستور و فعلی بمعنی کار و چیز.

شوری، مصدر فتیا است، به معنی مشاورت کردن. (الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج٤، ص: ۲۲۹) پس باید واژه‌ی «ذو» در تقدیر گرفته شود؛ امرهم ذو شوری بینهم، یا حمل بر مبالغه و تاکید شود؛ زیرا ذکر مصدر به جای وصف، بیشتر همین معنی را می‌رساند. ولی اگر شوری به معنی کاری که در آن مشورت است باشد، چنانکه راغب در مفردات گفته (الامر الذی یتشاور فیه) دیگر نیازی به تقدیر نیست. (تفسیر نمونه، ج۲۰، ص: ٤٦۳)

وقتی عسل را از کندویش بیرون می‌آورند گفته می‌شود: شرت العسل. شوری هم از شور برآمده است به معنای برگرفتن نظر و رأی صحیح از میان دیگر رأی‌ها و نظرها. وقتی خود انسان نظرش به جای نرسد یا کامل و همه جانبه نرسد یا کژ برسد و یا از یک زاویه خاص، نیاز به گفتار، کردار و مشورت دارد چه در کارهای کلان یا خرد، شخصی یا اجتماعی. (مفردات ألفاظ القرآن، ص: ٤۷۰؛ قاموس قرآن، ج٤، ص: ۸۹) پس شوری نامی است برای بیرون آوردن نظر درست از میان نظرهای خام و پخته‌ی گوناگون جمع. (التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج٦، ص: ۱۸۰)

ب – برداشت مفسران

مفسران، تفسیرهای فراوان و هماهنگ و نه متضاد از مشورت برگرفته‌اند که همه بازگویی است از یک حقیقت با زاویه‌های دید متفاوت و نگهداشت لفظ واحد. بسا مفسران نسل‌های آینده، به تناسب زمان و مکان برداشت‌های دیگری از مشورت کنند و این لفظ تا قاف قیامت مانند خورشید برای نیازمندان نور بپاشد و هرگز کهنه و متروک نشود.

۱/ روشن شدن حق: آنان میان خود مشورت می‌کنند تا حق روشن گردد. (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۹، ص: ۵۱) این برداشت نتیجه مشورت را باز می‌گوید.

۲/ چاره جویی رخدادهای تازه: وقتی حادثه‌ی میان آنان رخداد، همه گرد می‌آیند و باهم مشورت می‌کنند و فردی حرکت نکرده و بر نظر خود تکیه نمی‌کنند. برای همین هیچ قومی‌مشورت نمی‌کند مگر آنکه هدایت می‌شوند. (مفاتیح الغیب، ج۲۷، ص: ٦٠٤) این گپ، نگاه به آغاز و پایان مشورت دارد.

۳/ برای نگهداری از کیان: خداوند، گروه‌های مسلمان را دستور می‌دهد، تمام کارهایشان را میان خود مشورت کنند و از کیان شان نگهداری. (الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج۲٦، ص: ۲۱۸) این نگاه، هدف مشورت را بیان می‌کند.

٤/ مراجعه به نظرها و استنباط‌های یکدیگر: شوری مصدر است مانند بشری، پس نمی‌توان از آن خبر داد بلکه باید معنای مصدری کرد. بلی از قضایایی که مشورت صورت می‌گیرد، می‌توان خبر داد. (روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج۱۳، ص: ٤٧) این برداشت، نگاه به اصل مشورت دارد.

۵/ هم اندیشی برای رسیدن به واقع: شوری، اشاره دارد به اینکه مسلمانان به رشد، واقع و بالندگی رسیده‌اند و با هم اندیشی و خردورزی جمعی برترین نظریه را در کارهای زندگی به دست می‌آورند. پس این آیه با آیه‌ی زیر معنی نزدیک دارند. الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ. زمر: ۱۸. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۸، ص: ٦٤) این مفسر، نگاه به روند همیشگی مشورت دارد.

٦/ دوری از خودکامگی: خداوند در این آیه به ما دوری از خودکـامگی را دسـتور مـی‌دهـد و رایزنی با دیگران را ضروری می‌شمارد تا یک شیوه‌ی عملیاتی باشد بـرای رسـیدن بـه حقیقـت در تمام امور زندگی و پیرامون آن از خرد و بزرگ. پس حاکم و مدیر باید در تمـام کارهـایش بـه اهـل اندیشه، متخصص و امانت دار رجوع کند و دیدگاه‌های آنان را بشـنود تـا در کارهـا دچـار خطـا و لغزش نگردد و بینایی‌اش زیاد گردد و از خطاهای احتمالی جلوگیری شود. بنـابراین، مشـورت در اسلام یک شاهراه است و در برگیرنده‌ی تمام ساحه‌های فکری و عملـی در جامعـه اسـلامی؛ بـه گونه‌ی که تمام امور مسلمانان با مشورت صورت گیرد و افق‌های گسترده فراروی شان باز شـود تـا مصالح و مفاسد خود را از لایه‌های مشورت و نظریات گوناگون هنگام برخورد اندیشه‌ها به دست آورند. (تفسیر من وحی القرآن، ج۲۰، ص: ۱۹۲) این برداشت کـارکرد و جایگـاه و دیگـر ابعـاد مشورت را باز می‌گوید.

۷/ درماندگی: برخی جایگاه شورا در اسلام را زمان سرگردانی و بازماندگی می‌داند. پس وقتی انسان خرد، اندیشه و تجربه‌اش به جـایی نرسـید، نـاگزیر بـا صـاحبان اندیشـه رایزنـی مـی‌کنـد. (التحریر و التنویر، ج۲۵، ص: ۱۷۱) این نگاه به آغاز و ضرورت مشورت نظر دارد.

۸/ پس از مشورت نباید اختلاف کرد: وقتی مشورت تمام شد، همگی باید دسته جمعی بدان گردن نهند و اختلاف نکنند. به رأی برآمده از خرد جمعی، جامـه عمـل بپوشـانند تـا بـه پیـروزی دست یابند. (الجامع لأحکام القرآن، ج١٦، ص: ۳۷) این مفسر، مرحله عملی مشـورت را بیـان می‌کند.

۹/ مشورت هنگام جنگ: مسلمانان، پس از پرواز ملکوتی رسول خدا هنگام نبـرد بـا مرتـدان مشورت کردند. نظر ابوبکر این شد که جنگ کننـد تـا بـه خیـر مسـلمانان انجـام شـود. (تفسـیر المراغی، ج۲۵، ص: ۵۳) چنین برداشتی به آغاز و فرآیند مشورت نظر دارد.

۱۰/ رسیدن به نظر واحد: مشورت کنیم ولی تا به نظر واحـدی نرسـیده‌ایم عمـل نکنـیم: (زاد المسیر فی علم التفسیر، ج٤، ص: ٦٧) این مفسر نتیجه مشورت را توضیح می‌دهد.

۱۱/ دور اندیشی: مشورت برای این تشریع شده که آنان با رأی فردی حرکـت نکننـد و بـر یـک مسأله گردهم آیند. این کار نهایت بلندنگری و دوراندیشـی و بیـداری آنـان را در مصـالح و منـافع

نشان می‌دهد. (أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج۵، ص: ۸۳) این مطلب، برداشتی است برای هدف مشورت.

۱۲/ معاش و معاد: مسلمانان باید در تمام کارهای معاد و معاش خود، با برادران خویش مشورت کنند و هرگز استبداد رأی نداشته و تنهایی حرکت نکنند و مشورت را تابلوی‌برین اخلاق خود قرار دهند. (الفواتح الالهیة و المفاتح الغیبیة، ج۲، ص: ۲۹۲) این مفسر، گستره مشورت را توضیح می‌دهد.

۱۳/ تمام ساحه‌های زندگی: وقتی خداوند دراین آیه، تعبیر امور آورده، باید تمام ساحه‌های زندگی در پرتو شورا پیش برود. این تعبیر، تنها دولت و گروه‌های اسلامی را در بر نمی‌گیرد که فراتر از آن تمام کارهای فردی را نیز شامل می‌شود. چون ویژگی دولت اسلامی غیر از مشورت در تمامی بخش‌هایش چیز دیگری نمی‌تواند باشد. شکل شورا برای هماهنگی با زمان و مکان به خود انسان واگذار شده است. پس نظام اسلامی می‌تواند در شکل‌های گوناگون در هر مکان و زمان آشکار گردد. مهم روح ایمان و عمل صالح در این نظام است نه شکل آن. (فی ظلال القرآن، ج۵، ص: ۳۱٦٦) این برداشت هم گستره و ژرفای مشورت را بیشتر در نظام سیاسی باز می‌گوید.

۱٤/ الهام پروردگار: وقتی امت‌ها و ملت‌ها در ایجاد و گسترش فعالیت‌های شان با یکدیگر مشورت می‌کنند، آنچه خداوند برای شان الهام می‌کند، همان را بر می‌گیرند و آن رسیدن به حقیقت است. (ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر، ج٤، ص: ٦۱۷) ایشان نظر برآمده از مشورت را الهام الاهی می‌داند و نگاه به نقطه تلاقی و برخورد اندیشه‌ها هنگام مشورت دارد.

ج – ماهیت شوری

در این آیه، سه واژه و چند مطلب کلیدی آمده که هرکدام به تنهایی مشارکت عادلانه و فراگیر را می‌رساند:

اول: امرهم: کارهای که با سرنوشت و زندگی تمام جامعه گره خورده باشد چه مهم و کلان مانند دولت و نظام سیاسی و چه خُرد مانند تجارت و فرهنگ، همه را «امرهم» در بر می‌گیرد.

انسان‌ها در جامعه نمی‌توانند بدون تنظیم واقعی و درست و دقیق ایـن امـور، زنـدگی پرآسـایش و آرامش داشته باشند. پس امرهم اشاره به یک مشارکت عادلانه و حقیقـت همگـانی دارد کـه تمـام افراد جامعه را از زن و مرد با تمام آداب و رسوم در بر می‌گیرد.

دوم: شوری: همان فرایند، ماهیت و برگرفتن نظر و رأی صحیح از میـان دیگـر رأی‌هـای اهـل مشاوره است هنگام برخورد اندیشه‌ها در چگونگی تنظیم و رسیدن به زندگی نیک دسته جمعی بـا تمام دستامدهای مشورت.

سوم: بینهم: این واژه در برگیرنده‌ی تمام کسانی‌اند که در مصالح و منافع جمعی و فردی خـواه ناخواه در آنان تأثیر می‌گذارد. پس میان خودشان تمام کارهایشان را باید با هـم اندیشـی و رایزنـی سامان دهند و هیچ کسی از آنان در این رایزنـی مصـالح و منـافع نادیـده گرفتـه نشـود و تبعـیض فرهنگی، گروهی، زبانی و خونی و خاکی صورت نگیرد.

چهارم: خداوند، نمونه‌های امور و مصالح و منافع و سـود و زیـان جامعـه را در ایـن آیـه، نـام نمی‌برد و به یک واژه‌ی کلی بسنده می‌کند. برای آنکه سبک قرآن کریم از آغاز تا پایان همین گونـه است. واژگان کلیدی و کلی را می‌آورد که از آن معناهای فراوان به تناسب زمان و مکان بـه دسـت می‌آید؛ این یک. دوم این که امور، همواره یکسان نیستند و همیشه در حال دگرگونی‌اند. سوم آنکـه خود انسان می‌تواند به تناسب شرایط جامعه تمام سود و زیان جامعه و فرد را تعیین کند و مصـالح و مفاسد شان را در نظر بگیرد.

پنجم: این آیه به کمک دیگر آیه‌ها می‌خواهد بگویـد: انسـان دانـایی و تخصـص‌اش محـدود است و یافته‌های عقلانی‌اش نیز برد کوتاه، پرکاست و یک جهتـی دارد نـه فراگیـر و همـه جهتـی. تجربه‌هایش از زندگی اندک است و ناقص، اندیشه‌های خام و هواهـانی نفسـانی و تحریک‌هـای شیطانی بیرونی و درونی فراوانی دارد. انسان‌ها به تنهایی فوق تخصص هـم کـه باشـند، بـه جـای نمی‌رسند، پس باید با همدیگر مشورت کنند و از خرد جمعی بهره گیرند.

د – فرآیند مشورت

فرایند یک مشوره همگانی را می‌توان این گونه به تصویر کشید:

یک: گروه مشاوره کنندگان چه نخبگان، متخصصان، تجربه داران و خردمندان و اندیشمندان از تمامی‌رشته‌ها و فنون گردآیند و از آنانکه اهل مشاوره نیستند مانند بی خردان، نادان، بخیلان، فاسقان و تنگ نظران و دنیا پرستان بپرهیزند.

دو: آنچه در باره‌اش مشورت می‌کنند، کامل و همه جانبه و شفاف توضیح دهند تا هدف گذاری کلان و سرنوشت ساز و خرد مشخص باشد و تیر به تاریکی نخورد.

سه: راه‌های بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت رسیدن به آن هدف را مشخص کنند و زمانبندی هریک را به تناسب هدف تعیین.

چهار: هزینه‌ها و نیروی لازم انسانی را برای رسیدن به هدف پیش بینی کنند و نیروهای جایگزین را نیز.

پنج: چالش‌های درونی و بیرونی را به تناسب زمان و مکان و نیروها پیش بینی کنند.

شش: آنگاه همگان در مواد یاد شده، دانه دانه نظر دهند و دیگران هم دیدگاه شان را در پذیرش و رد آنان با افزایش و کاهش بازگویند تا برخورد اندیشه‌ها به اوج رسد و نظر صحیح از میان آنان بیرون آید و هدف و راه‌های رسیدن به آن پخته و کامل گردد.

هفت: وقتی همگان دیدگاه‌های تخصصی خود را پس از تلاقی اندیشه‌ها و بیرون آمدن نظر صحیح و مطابق با واقع به پایان رساندند، نوبت به تصمیم گیری می‌رسد. یا این تصمیم را همانجا گروهی می‌گیرند یا فرد شایسته از همگان در آنجا یا در نهان؛ در صورت نخست شورای رهبری این کار را می‌کنند و در صورت دوم رهبری واحد. هر کدام کاستی‌ها و کژی‌های خود را دارد ولی قرآن کریم رهبری واحد را در مشورت بر گروهی ترجیح می‌دهد؛ چون عزمت و توکل اشاره به فرد دارد نه گروه.

وَ شاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ. آل عمران: (۱۵۹)

هشت: پس از تصمیم، مرحله عمل و اجرا می‌رسد؛ در این مرحله بدون شک اصل مجری باید یک نفر باشد ولی با مجریان همکار فراوان و نه یک نفر. اگر تصمیم گروهی هم باشد، باید یک نفر را مجری برگزینند.

۵ - در چه چیزهایی نباید مشورت کرد

اول: احکام الاهی

بخشی از داده‌های وحیانی چهارچوب عملی یا قانون زندگی فردی و اجتماعی را تعیین می‌کند. این بخش در دایره مشورت نمی‌گنجد؛ زیرا خداوند برای همیشه این گزاره‌های حلال و حرام، مستحب و مکروه و طهارت و نجاست را برای تنظیم و سامان دهی زندگی انسان برگزیده است. از سوی دیگر، خرد انسان به تمام مصالح و منافع دنیا و آخرت این گزاره‌ها پی نمی‌برد. بلی، صحابه و مسلمانان، در استنباط احکام شرعی از قرآن و سنت، می‌توانند با همدیگر مشورت و گفتگو کنند و برترین مفهوم را هنگام برخوردهای اندیشه و فهم از آن برگزینند. (الجامع لأحکام القرآن، ج١٦، ص: ٣٧) پس تشریع چنین گزاره‌ها و بقاء آن دست خداست و بس. (تفسیر الکاشف، ج٦، ص: ٥٢٩)

امام صادق ع، نیز مشورت را در چهارچوب مشخص قراردادهای اجتماعی و یافته‌های عقلانی معتبر می‌داند و نه در داده‌های وحیانی و همه چیز و با همه کس. چنانچه مشورت از چهارچوب‌اش بیرون آید، زیانش بیش از سودش خواهد بود. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ الْمَشُورَةَ لَا تَكُونُ إِلَّا بِحُدُودِهَا فَمَنْ عَرَفَهَا بِحُدُودِهَا وَ إِلَّا كَانَتْ مَضَرَّتُهَا عَلَى الْمُسْتَشِيرِ أَكْثَرَ مِنْ مَنْفَعَتِهَا لَهُ. (المحاسن، ج٢، ص: ٦٠٣)

دوم: نیازها اولیه

تأمین نیازهای اولیه‌ی زندگی روزانه، در چهارچوب قانون و شریعت، نیاز به مشورت ندارد مانند تهیه خوراک، پوشاک، خانه، کار و رفتن پیش پزشک هنگام بیماری. بلی، شناختن پزشک ماهر و کار مناسب و پوشاک با کیفیت و خوراک مفید، نیاز به کارشناس و مشورت دارد.

سوم: بدیهیات

پذیرش و هماهنگ سازی زندگی با روشنی آفتاب و تاریکی شب، نیاز به مشورت ندارد؛ زیرا آفتاب از دو انگشت پنهان شدنی نیستند و تاریکی شب را نورافگن نمی‌تواند دگرگون کند. نیاز

معلول به علت، بزرگتر بودن کل از جزء و اجتماع و ارتفاع نقیضین از بدیهیات اند و بی نیاز از استدلال و مشورت. دفاع عقیده، جان، مال، ناموس، خانه و خاک به حکم عقل و شرع از روشن ترین گزاره هایی‌اند که ما باید در تمام سطوح زندگی فردی و اجتماعی خود بدان پایبند باشیم.

چهارم: تجربه شده‌ها

آنچه در گذشته تجربه کرده‌ایم، نیاز به مشورت ندارد؛ مشورت در کارهایی است که هنوز رخ نداده چنانکه امام علی ع از این حقیقت پرده بر می‌گیرد. وی از پیامبر خدا می‌پرسد: وقتی کاری و رخدادی پس از شما میان ما پیش آید که حکم آن در قرآن نباشد و روایتی هم از شما، چه کار کنیم؟

حضرت فرمود: پیرامون پرهیزگاران امت من گردآیید و میان تان مشوره کنید و هرگز خودکامگی نکنید.

أخرجه الخطيب عن علي كرم اللّه تعالى وجهه قال: قلت يا رسول اللّه الأمر ينزل بنا بعدك لم ينزل فيه قرآن و لم يسمع منك فيه شيء قال: اجمعوا له العابد من أمتي و اجعلوه بينكم شورى و لا تقضوه برأي واحد. (الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج٢٦، ص: ٢١٩)

پنجم: کارهای فردی ساده

امام باقر ع، به دوستانش دستور می‌دهد شخصی را نزد وی بفرستد تا حضرت با او مشورت کند. چون آن شخص به مصالح و منافع شهر خودش از دیگران داناتر است. برای همین می‌داند با شاهان آن سرزمین چگونه تعامل کند. در هر صورت مشورت کاری است فرخنده که خداوند در کتابش به پیامبر خود دستور داد: در تمام کارها مشورت کن و هرگاه تصمیم گرفتی با توکل بر خدا انجام بده.

الْعَيَّاشِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ: كَتَبَ إِلَيَّ أَبُو جَعْفَرٍ ع أَنْ سَلْ فُلَاناً أَنْ يُشِيرَ عَلَيَّ وَ يَتَخَيَّرَ لِنَفْسِهِ فَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَجُوزُ فِي بَلَدِهِ وَ كَيْفَ يُعَامِلُ السَّلَاطِينَ فَإِنَّ الْمَشُورَةَ مُبَارَكَةٌ قَالَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ... (وسائل الشيعة، ج۱۲، ص: ٤٥)

ششم: کار بدون مخالف و بدون خطر

پاک پیشوای نخست، به فرزندش محمد حنفیه سفارش می‌کند: نظر برخی از مردان را با برخی دیگر، بیامیز و مخالف و موافق را بسنج؛ آنگاه هرکدام به صواب نزدیکتر است برگزین و هر کدام به خطا می‌رود دوری کن. پس آنکه خودکامگی کرد جان خود را به خطر می‌اندازد و هرکس به پیشواز نظر دیگران برود جایگاه لغزش‌ها را می‌شناسد و ایمن می‌ماند.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي وَصِيَّتِهِ لِمُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ قَالَ: اضْمُمْ آرَاءَ الرِّجَالِ بَعْضَهَا إِلَى بَعْضٍ ثُمَّ اخْتَرْ أَقْرَبَهَا مِنَ الصَّوَابِ وَ أَبْعَدَهَا مِنَ الِارْتِيَابِ إِلَى أَنْ قَالَ قَدْ خَاطَرَ بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَغْنَى بِرَأْيِهِ وَ مَنِ اسْتَقْبَلَ وُجُوهَ الْآرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَإِ. (وسائل الشیعة، ج۱۲، ص: ٤٦)

و - چه کسانی شایستگی مشورت ندارند؟

۱/ خودکامه و تک رأی: نباید در مشورت حضور داشته باشد چون غیر از رأی خود نظر دیگران را صحیح نمی‌داند؛ برای همین مشورت در فضای آرام و درست صورت نمی‌گیرد و تلاقی اندیشه‌ها به شکل خوب پیش نمی آید و نظر پخته از میان دیدگاه‌ها بیرون.

وَ قَالَ ع مَنِ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرِّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا. (نهج البلاغه، حکمت ١٦١)

۲/ آدم بخیل نباید مشاور باشد؛ چون بخیل نه خودش بخشندگی و مردانگی دارد و نه بخشندگان و مردان را می‌گذارد تا مردانگی کنند و ببخشند. بخیل، همواره کاستی‌های دنیا و تنگدستی را به یاد می‌آورد؛ زیرا از رحمت خدا روی گردان شده و به دنیا روی آورده است.

۳/ آدم ترسو هم در مشورت نباید باشد؛ چون اراده‌های آهنین را سست می‌کند و نمی‌گذارد آنان صیقل بخورند و پیش بروند.

وَ لَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْدِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ وَ يَعِدُكَ الْفَقْرَ وَ لَا جَبَاناً يُضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ وَ لَا حَرِيصاً يُزَيِّنُ لَكَ الشَّرَهَ بِالْجَوْرِ فَإِنَّ الْبُخْلَ وَ الْجُبْنَ وَ الْحِرْصَ غَرَائِزُ شَتَّى يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

٤/ آدم‌های حریص؛ برای آنکه دوست دارند با هر شیوه و ابزاری شده به مال دنیا بیش از

نیازشان برسند و دارایی انباشت کنند.

بی گمان ریشه‌ی این چهار ویژگی ناپسند، سوء ظن به خداست. یا آنان تدبیر و عمل خودشان را، از خدا بالاتر و برتر می‌دانند، یا قایل به روزی دهندگی خداوند نیستند و خودشان را روزی دهنده می‌دانند.

۵/ مخالف یافته‌های عقلانی: وقتی کسی را با یافته‌های پخته و تجربه شده و علمی خود مخالف می‌دانیم، با وی مشورت نکنیم؛ هرچند او به خردورزی و پارسایی مشهور باشد. زیرا عمل به مخالف علم و عقل، جهالت است.

وَ لَا تُشَاوِرْ مَنْ لَا يُصَدِّقُهُ عَقْلُكَ وَ إِنْ كَانَ مَشْهُوراً بِالْعَقْلِ وَ الْوَرَعِ. (مصباح الشریعة، ص: ۱۵۳)

٦/ بی دین و بی عقل: امام صادق ع، به دوستانش دستور می‌داد با خردمندان پاک مشورت کنند؛ چون آنان هم عقل دارند هم دین، برای همین جز به نیکی انسان را راهنمایی نمی‌کند. اما مشورت با انسان بی عقل و بی دین، دنیا و آخرت انسان را از بین می‌برد.

عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ اسْتَشِرِ الْعَاقِلَ مِنَ الرِّجَالِ الْوَرِعَ فَإِنَّهُ لَا يَأْمُرُ إِلَّا بِخَيْرٍ وَ إِيَّاكَ وَ الْخِلَافَ فَإِنَّ خِلَافَ الْوَرِعِ الْعَاقِلِ مَفْسَدَةٌ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا. المحاسن، ج۲، ص: ٦۰۲.

در حدیث دیگر، امام صادق ع، مشورت با خردمندان اندرزگو را بالندگی، فرخندگی و توفیق از خداوند می‌داند که هرگاه با انسان مشورت کنند آدمی به حقیقت می‌رسد اما اگر انسان با آدم بی عقل مشورت کند، در تنگنا و سختی قرار می‌گیرد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مُشَاوَرَةُ الْعَاقِلِ النَّاصِحِ رُشْدٌ وَ يُمْنٌ وَ تَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ فَإِذَا أَشَارَ عَلَيْكَ النَّاصِحُ الْعَاقِلُ فَإِيَّاكَ وَ الْخِلَافَ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ الْعَطَبَ. (المحاسن، ج۲، ص: ٦۰۲)

ز - چه کسانی شایستگی مشورت دارند؟

در روایت زیر به نقل برقی از امام صادق ع، با چند صنف باید مشورت کرد:

۱/ خردمندان؛ آنانکه بدون تکیه بر احساس و تخیل، دیدگاه شان بر یافته‌های عقلانی استواراند. مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْعُقُولِ اسْتَضَاءَ بِأَنْوَارِ الْعُقُولِ. غرر الحکم: (۳۳۶/ ۵). چون حسن و قبح و عدل و ظلم و دیگر گزاره‌های عقلانی را همین خرد، بدون داده‌های وحیانی تشخیص می‌دهد. خردمندان با ذهن سرد حقایق زندگی نوین امروزی را می‌بینند و بدون احساس داوری می‌کند. امام علی ع، فرمود: شَاوِرْ ذَوِي الْعُقُولِ تَأْمَنِ الزَّلَلَ وَ النَّدَمَ. غرر الحکم: (۱۷۹/ ٤).

۲/ آزاد مردان متدین؛ آنانکه از بندگی همنوعان، شیطان، دنیا و هواهای نفسانی آزاد هستند و به گزاره‌های دینی پایبند. از مفهوم مخالف آن می‌توان نتیجه گرفت که آزادگان بی دین یا دینداران برده، نباید در مشورت حضور یابند.

۳/ دوست دلسوز؛ هرآنکه انسان را هنگام تنگدستی و کاستی و اندوه دست گیری نماید، برترین دوست وی به شمار می‌آید و گرنه هنگام دارایی و شادی و تندرستی همه به انسان دوست می‌شوند. دوست که ویژگی‌های بالا را نداشته باشد، نمی‌تواند مشاور گردد.

٤/ راز نگهدار؛ وقتی شخص رازهای انسان را نهان کرد و برای روزهای بد، ضدش به کار نگرفت، برترین دوست و مشاور وی به شمار می‌آید.

عَنْهُ ع وَ مِمَّا أَوْصَى ص بِهِ عَلِيّاً ع قَالَ لَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقُ مِنَ الْمُشَاوَرَةِ وَ لَا عَقْلَ كَالتَّدْبِيرِ وَ قَالَ إِظْهَارُ الشَّيْءِ قَبْلَ أَنْ يُسْتَحْكَمَ مَفْسَدَةٌ لَهُ. (مکارم الأخلاق، ص: ۳۲۰)

۵/ دانشمندان؛ هرگاه فردی بخشی از عمر یا تمام عمرش را برای یادگرفتن، به کار گرفته باشد، باید همواره طرف مشورت قرار گیرد؛ زیرا از میان صندوقچه دانش چیزهای فراوانی بیرون می‌آورد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ الْمَشُورَةَ لَا تَكُونُ إِلَّا بِحُدُودِهَا فَمَنْ عَرَفَهَا بِحُدُودِهَا وَ إِلَّا كَانَتْ مَضَرَّتُهَا عَلَى الْمُسْتَشِيرِ أَكْثَرَ مِنْ مَنْفَعَتِهَا لَهُ؛ فَأَوَّلُهَا أَنْ يَكُونَ الَّذِي يُشَاوِرُهُ عَاقِلًا وَ الثَّانِيَةُ أَنْ يَكُونَ حُرّاً مُتَدَيِّناً وَ الثَّالِثَةُ أَنْ يَكُونَ صَدِيقاً مُؤَاخِياً وَ الرَّابِعَةُ أَنْ تُطْلِعَهُ عَلَى سِرِّكَ فَيَكُونَ عِلْمُهُ بِهِ كَعِلْمِكَ بِنَفْسِكَ ثُمَّ يَسْتُرَ ذَلِكَ وَ يَكْتُمَهُ فَإِنَّهُ إِذَا كَانَ عَاقِلًا انْتَفَعْتَ بِمَشُورَتِهِ وَ إِذَا كَانَ حُرّاً مُتَدَيِّناً جَهَدَ نَفْسَهُ فِي النَّصِيحَةِ لَكَ وَ إِذَا كَانَ صَدِيقاً مُؤَاخِياً كَتَمَ سِرَّكَ إِذَا أَطْلَعْتَهُ عَلَى سِرِّكَ وَ إِذَا أَطْلَعْتَهُ عَلَى سِرِّكَ فَكَانَ عِلْمُهُ بِهِ كَعِلْمِكَ تَمَّتِ الْمَشُورَةُ وَ كَمَلَتِ النَّصِيحَةُ. (المحاسن، ج۲، ص: ٦۰۳)

٦/ تجربه داران؛ این گروه، تلخی و شیرینی و گرمی و سردی روزگار را چشیده‌اند. می‌توانند بسیاری از حقیقت‌های نیامده را با قرینه‌های فراوان پیش بینی کنند.

قَالَ الصَّادِقُ ع شَاوِرْ فِي أُمُورِكَ مِمَّا يَقْتَضِي الدِّينُ مَنْ فِيهِ خَمْسُ خِصَالٍ عَقْلٌ وَ عِلْمٌ وَ تَجْرِبَةٌ وَ نُصْحٌ وَ تَقْوَى وَ إِنْ لَمْ تَجِدْ فَاسْتَعْمِلِ الْخَمْسَةَ وَ اعْزِمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى فَإِنَّ ذَلِكَ يُؤَدِّيكَ إِلَى الصَّوَابِ- وَ مَا كَانَ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا الَّتِي هِيَ غَيْرُ عَائِدَةٍ إِلَى الدِّينِ فَاقْضِهَا وَ لَا تَتَفَكَّرْ فِيهَا فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ أَصَبْتَ بَرَكَةَ الْعَيْشِ وَ حَلَاوَةَ الطَّاعَةِ. (مصباح الشريعة، ص: ۱۵۳)

۷/ اندرزگویان؛ برخی با زبان و عمل دیگران را هدایت می‌کنند و برخی با زبان؛ در دو صورت این گروه برای مشورت باید برگزیده شود.

مَنْ شَاوَرَ ذَوِي النُّهَى وَ الْأَلْبَابِ فَازَ بِالنُّجْحِ وَ الصَّوَابِ. غرر الحكم: (۳۳۷/ ۵).

۸/ پرهیزگاران؛ پس از اسلام و ایمان، نوبت به پرهیزگاران می‌رسد، با دو درجه بالاتر از آنان؛ چون خواسته‌های نفس را مهار کرده‌اند و زندگی پاک و بی آلایش را تجربه.

امام علی ع، فرمود: شَاوِرْ فِي أُمُورِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ تَرْشُدْ. (۱۷۹/ ٤).

۹/ متخصص؛ آنکه تمام عمرش را در یک رشته گذرانده بدون شک بیش از همه در آن مسأله فرورفته و اندیشیده و به حقیقت رسیده و نظریه پردازی می‌کند.

جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص مَا الْحَزْمُ قَالَ مُشَاوَرَةُ ذَوِي الرَّأْيِ وَ أَتْبَاعِهِمْ. (المحاسن، ج۲، ص: ٦٠١؛ مكارم الأخلاق، ص: ۳۲۰)

متخصص اگر خردسال هم بود، باید به مشوره او عمل کرد.

يَا بُنَيَّ شَاوِرِ الْكَبِيرَ وَ لَا تَسْتَحْيِ مِنْ مُشَاوَرَةِ الصَّغِيرِ. (الإختصاص، النص، ص: ۳۳۸)

۱۰/ با قرآن؛ مشورت با قرآن می‌تواند به دو شکل باشد: یکی استخاره و دیگری فهم دستورهای قرآن در قالب گزاره‌های خبری و انشایی و خبری عمل به آن ها. چون نتیجه مشورت گام برداشتن است در راه هدف، پس فهم آیه‌های قرآن نیز مقدمه‌ای است بر عمل.

قال الرسول: وَ شَاوِرِ الْقُرْآنَ، فَإِنَّهُ إِمَامُكَ. (نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص: ۱۷)

۱۱/ کهنسالان: بزرگسالان و کهنسالان گنجینه تجربه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و عرفانی اند. باید در تمام زمینه‌ها با آنان مشورت کرد.

رَأْيُ الشَّيْخِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حِيلَةِ الشَّابِ. (کنز الفوائد، ج۱، ص: ۳٦۷)

۱۲/ با چوپان‌ها؛ چون ذهن پراکنده ندارند و با تمرکز ذهنی حدس پرشتاب دارند. (شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج۱۱، ص: ۱۰۷) پس مشورت در هر صورت ضرورت دارد. بلی در کارهای گوسفنداری باید با چوپان مشورت شود.

ح - دستامدهای مشورت

۱ / برترین پشتیبان

وقتی دیدگاه‌های گوناگون پیرامون یک موضوع جمع می‌شوند و با یکدیگر برخورد می‌کنند، درست از نادرست و سست از توانا و ناقص از کامل و ریشه دار از بی ریشه و کارآمد از غیر کارآمد، تشخیص داده می‌شود، در این میان نظر پخته و محکم بیرون می‌آید. همین نظر پشتوانه عمل آینده می‌شود. برای همین پیشوایان پاک، مشورت را پشتیبان کردار و گفتار شمرده‌اند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ فِيمَا أَوْصَى بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِيّاً ع أَنْ قَالَ لَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقُ مِنَ الْمُشَاوَرَةِ وَ لَا عَقْلَ كَالتَّدْبِيرِ. (المحاسن، ج۲، ص: ٦۰۱)

۲ / پشیمان نشدن

هرگاه قول و عمل انسان برپایه‌ی دلیل و تجربه و نظر استوار بچرخد، اگر شکست هم بخورد و به فرجام نرسد باز هم پشیمانی ندارد؛ زیرا انسان به تکلیف خود عمل کرده و بر پایه‌ی حجت و دلیل کارش را با اطمینان پیش خود و خداوند، انجام داده است.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ فِي التَّوْرَاةِ أَرْبَعَةُ أَسْطُرٍ مَنْ لَا يَسْتَشِرْ يَنْدَمْ وَ الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ وَ كَمَا تَدِينُ تُدَانُ وَ مَنْ مَلَكَ اسْتَأْثَرَ. (المحاسن، ج۲، ص: ٦۰۱)

برای همین پیشوایان ما استخاره را برون رفت از سرگردانی و مشاوره را برون رفت از پشیمانی دانسته اند. وَ قَالَ ع مَا حَارَ مَنِ اسْتَخَارَ وَ لَا نَدِمَ مَنِ اسْتَشَارَ. (تحف العقول، النص، ص: ۲۰۸)

سَمِعْتُ أَبَا الْقَاسِمِ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) يَقُولُ: اسْتَرْشِدُوا الْعَاقِلَ، وَ لَا تَعْصُوهُ فَتَنْدَمُوا. (الأمالي (للطوسي)، النص، ص: ۱۵۳).

۳/ دوری از نابودی

لازمه رسیدن به هدف، شناسایی بستر فعالیت، فضا، امکانات، پشتوانه مادی و معنوی، بررسی موانع و چگونگی مقابله با آن است. تمام این مؤلفه‌ها در مشورت بررسی و تحلیل می‌شوند. برای همین کار با مشورت پخته و با سنجش همه جانبه پیش می‌رود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَنْ يَهْلِكَ امْرُؤٌ عَنْ مَشُورَةٍ. (المحاسن، ج۲، ص: ٦٠١)

٤/ مشارکت در خردورزی

هرگاه شخص خود را دانای کل بداند و بر اندیشه و خردورزی و تجربه و دانش و مهارت خود بنازد و بچرخد و گفتارها و کردارهایش را تنظیم کند و خود را از دیگران بی نیاز بداند، نابود می‌شود؛ چون زندگی انسان با همه چیز گره خورده است و همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر زاده نشده‌اند. برای همین آنکه با خردمندان، متخصصان و تجربه داران مشورت می‌کند، به تعداد خرد و دانش و تجربه آنان شریک می‌شود.

وَ قَالَ ع مَنِ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرِّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا. (نهج البلاغه، حکمت ١٦١)

٥/ به خوشبختی رسیدن

رهبران خودکامه، همواره مردمش را به پرتگاه نابودی کشانده و آنان را در بدبختی و فلاکت نگهداشته اند؛ چون خود را از رأی دیگران بی نیاز دانسته‌اند، هرچند خوشبخت بوده‌اند ولی بدبخت شدند. از آن سو، هرکس مشورت کند، همواره به خوشبختی می‌رسد چنانکه پیامبر خدا فرمود:

ما شقی عبد قطّ بمشورة و ما سعد باستغناء برأي. (نهج الفصاحة (کلمات قصار حضرت رسول ص)، ص: ٦٨٧)

به گفته‌ی رسول خدا، با آنکه مشورت می کنیم باید امین بدانیم و او را یاری دهیم نه آنکه سست و پشتش را خالی کنیم. المستشار مؤتمن و المستشير معان.

قال رسول اللّه ص: أما إنّ اللّه و رسوله لغنيّان عنها، و لكن جعلها اللّه تعالى رحمة لأمّتي، فمن استشار منهم لم يعدم رشدا و من تركها لم يعدم غيّا. (روض الجنان و روح الجنان فی

تفسیرالقرآن، ج۱۷، ص: ۱۳۸)

٦ / زندگی آزادانه نه زنده ماندن بردگانه

هنگامی که زمامداران یک جامعه، نیکان باشند و توانگران شان سخاوتمندان و کارهای شان با مشورت انجام گیرد، در این موقع زمین گنج هایش را برای شان روی زمین آشکار می‌کند؛ چنین زندگی برای آنان زیبا و نیکوست. اما اگر زمامداران بدان و ثروتمندان افراد بخیل باشند و در کارها مشورت نکنند در این صورت، زیر زمین از روی زمین گنج‌ها را به درون فرو می‌برد و از زندگی کردن به گور رفتن بهتر است. چون در این روزگار، زنده ماندن با بردگی، تحقیر، توهین، زخم زبان و آزار دیگران آمیخته است ولی زندگی با آزادی، عزت، احترام متقابل دست نیافتی. پس فرق است بین زنده ماندن با نکبت و خواری و پستی و زندگی با عزت و شرافت و سربلندی و آزادگی.

قال النبی ص: اذا کان امرائکم خیارکم و اغنیائکم سمحائکم و امرکم شوری بینکم فظهر الارض خیر لکم من بطنها و اذا کان امرائکم شرارکم و اغنیائکم بخلائکم و لم یکن امرکم شوری بینکم فبطن الارض خیر لکم من ظهرها. (روض الجنان و روح الجنان فی تفسیرالقرآن، ج۵، ص: ۱۲٦)

۷ / رسیدن به دانایان

زینت پرستندگان ع فرمود: حق کسی که از تو مشورت می‌خواهد این است که اگر عقیده و نظری داری در اختیار او بگذاری و اگر در باره آن کار، چیزی نمی‌دانی، او را بکسی راهنمایی کنی که میداند و اما حق کسی که مشاور تو است این است که در آنچه با تو موافق نیست او را متهم نسازی.

قال علی بن الحسین ع: و حق المستشیر إن علمت له رأیا اشرت علیه و ان لم تعلم ارشدته الی من یعلم و حق المشیر علیك ان لا تتهمه فیما لا یوافقك من رأیه. (تفسیر نور الثقلین جلد ۱ ص ٤۰۵)

۸ / راهنمایی شدن در تمام ساحه ها

وقتی جامعه‌ی مصالح و منافع شان با مشورت صورت می‌گیرد، به حق و صواب و خیر راهنمایی می‌شوند و بالندگی تمام ساحه‌های زندگی شان را در بر می‌گیرد. مَا تَشَاوَرَ قَوْمٌ قَطُّ إِلَّا

هُدُوا لأَرْشَدِ أَمْرِهِمْ. (الطراز الأول و الكناز لما عليه من لغة العرب المعول، جلد۸، ص: ۲۱۲)

۹ / راهنمایی به دین

ابن عاشور، برترین کارکرد مشورت را هدایت مردم مدینه به اسلام می‌داند وقتی آنان در خانه ابوایوب انصاری گردآمدند، همگی به اسلام گرویدند و چه کارکرد بالاتر و برتر از این که انسان به دین کامل اسلام ایمان بیاورد. (التحریر و التنویر، ج۲۵، ص: ۱۷۱)

۱۰ / پشتیبان تصمیم

وقتی پیامبر در رخداد احد، مشورت کرد، دوستان همگی نظر به بیرون شدن دادند. پیامبر هم نظرش همین بود. وقتی بیرون رفتند شکست خوردند. اگر پس از آن مشورت را ترک می‌کرد، همه می‌پنداشتند، از کاستی و کژی جنگ احد است و نظر دادن و مشورت کردن. برای همین خداوند دستور داد، پس از آن رخداد با آنان مشورت کنند تا کاستی و کژی از مشورت کردن در دل شان از آن رخداد ناموفق باقی نماند. (التحریر و التنویر، ج۲۵، ص: ۱۷۱)

۱۱ / آزمایش افراد

با مشورت میزان دانش، دوستی، دشمنی، فهم، تحلیل، دلیری، باور و خوی نیک و بد و جهت گیری انسان‌ها شناخته می‌شوند. سیدعلی خان، برخی از فلسفه مشورت پیامبر ص، با اصحاب را همین گزینه‌ها می‌داند. (الطراز الأول و الكناز لما عليه من لغة العرب المعول، جلد۸، ص: ۲۱۲)

۱۲ / آسایش و آرامش

وقتی انسان مشورت می‌کند، روانش آرام می‌گیرد و به پیروی از آن استرس از بدن دور می‌شود؛ چون تکلیف خود را انجام داده و دغدغه‌ی برای شکست و پیروزی ندارد. ابن ابی الحدید می‌نگارد: و قالوا المشورة راحة لك و تعب على غيرك. (شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج۱۸، ص: ۳۸۳)

۱۳ / رسیدن به هدف

وقتی زاویه‌های گوناگون مسآله، بررسی و بازگو می‌شود و با متخصصان رایزنی، مشورت کننده ناگزیر به هدف می‌رسد. وَ قَوْلُهُ ع مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْأَلْبَابِ دُلَّ عَلَى الصَّوَابِ. (الإرشاد في

معرفة حجج الله علی العباد، ج۱، ص: ۳۰۱)

از سوی دیگر، آنکه مشورت می‌کند، اگر به هدف برسد خوشحالی ویرانش نمی‌کند و اگر به خطا برود، پشیمانی نابودش نمی‌سازد. و قالوا من أكثر من المشورة لم يعدم عند الصواب مادحا و عند الخطإ عاذرا. (شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج۱۸، ص: ۳۸۳)

۱٤ / بستن راه سرزنش کنندگان

اگر کسی به نظر شخص خود تکیه کند، چنین نظری، دیدگاه علمی‌گفته نمی‌شود، مگر آنکه متخصص باشد. اما اگر با دیگران مشورت کند، بویژه صاحبان خرد و تقوی، راه سرزنش را می‌بندد.

لَا رَأْيَ لِمَنِ انْفَرَدَ بِرَأْيِهِ مَا عَطِبَ مَنِ اسْتَشَارَ مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْأَلْبَابِ دُلَّ عَلَى الصَّوَابِ النُّصْحُ لِمَنْ قَبِلَهُ. (کنز الفوائد، ج۱، ص: ۳٦۷)

۱۵ / خیر دنیا و آخرت

امام صادق ع، فرمود، هرگاه کاری برای تان پیش آمد که از آن گریزی نداشتید، با مرد خردمند و دیندار مشوره کنید اگر چنین کردید، هرگز خوار نخواهید شد بلکه خداوند شما را بالا می‌برد و سوی خیر می‌برد و به خداوند نزدیک می‌شوید.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ مَا لَا قِبَلَ لَهُ بِهِ أَنْ يَسْتَشِيرَ رَجُلًا عَاقِلًا لَهُ دِينٌ وَ وَرَعٌ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَمَا إِنَّهُ إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ لَمْ يَخْذُلْهُ اللَّهُ بَلْ يَرْفَعُهُ اللَّهُ وَ رَمَاهُ بِخَيْرِ الْأُمُورِ وَ أَقْرَبِهَا إِلَى اللَّهِ. (المحاسن، ج۲، ص: ٦۰۲)

۱٦ / ایجاد همبستگی

قرطبی از ابن عربی می‌نگارد: شورا همبستگی میان مردم پدید می آورد و خرد را بالنده می‌کند و جامعه را به حق می‌رساند و راهنمایی می‌کند. برای همین خداوند مشورت را ستوده در تمام کارها. پیامبر ص، هم با یاران خود در کارهای جنگ و دیگر مصالح مشورت می‌کرد. (الجامع لأحكام القرآن، ج۱٦، ص: ۳۷)

۱۷ / دستاوردهای مادی و معنوی

امام صادق ع، فرمود: در مشورت انسان دانش، به دست می‌آورد و خرمند دانش نو؛ پس با

این دانش می‌توان به مقصود رسید. مثل مشورت با اهل آن مانند اندیشیدن در آفرینش آسمان و زمین و نابودی آن هاست. دانش نو برآمده از مشورت و اندیشیدن در چگونگی آفرینش زمین و آسمان دو چشمی است برای بندگان که هرگاه بیشتر بیندیشند در اقیانوس معرفت فرو می‌روند و پندگیری و یقین شان افزوده می‌شود.

وَ فِي الْمُشَاوَرَةِ اكْتِسَابُ الْعِلْمِ وَ الْعَاقِلُ مَنْ يَسْتَفِيدُ مِنْهَا عِلْماً جَدِيداً وَ يَسْتَدِلُّ بِهِ عَلَى الْمَحْصُولِ مِنَ الْمُرَادِ- وَ مَثَلُ الْمَشُورَةِ مَعَ أَهْلِهَا مَثَلُ التَّفَكُّرِ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ فَنَائِهِمَا وَ هُمَا عَيْنَانِ مِنَ الْعَبْدِ لِأَنَّهُ كُلَّمَا تَفَكَّرَ فِيهِمَا غَاصَ فِي بِحَارِ نُورِ الْمَعْرِفَةِ وَ ازْدَادَ بِهِمَا اعْتِبَاراً وَ يَقِيناً. (مصباح الشريعة، ص: ۱۵۳)

نتیجه

برپایه‌ی داده‌های وحیانی همگی وظیفه داریم در کارهای فردی و اجتماعی مشورت کنیم. هر اندازه کارها مهم تر و دقیق و فنی تر باشند، نیاز به رایزنی بیشتر است. برداشت‌های مفسران نیز به تناسب زمان و مکان برای تفسیر مشورت بیانگر این حقیقت است. بلی، در احکام الاهی و نیازهای اولیه و بدیهیات، نیازی به رایزنی نیست. رایزنی اگر با شایستگان صورت نگیرد، نه تنها انسان را به هدف نمی‌رساند که شکست را برایش پیش قطعی می‌سازد. وقتی مشورت با فرآیند و مشاوران لایق صورت گیرد، بدون تردید، انسان به هدف می‌رسد. جنگ، سیاست، دولت و اقتصاد و دیگر نمونه‌ها می‌توانند مصداق موجود مشورت باشند و نه محصور. مشورت را می‌توان تنها در یک بعد پژوهید و کاوید. مشورت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، دینی و نمونه‌های دیگر که هر کدام نیاز به مقاله جداگانه دارند و چه بسا کتاب.

کتابنامه

ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبه الله، (وفات: ٦٥٦ ق) **شرح نهج البلاغة** لابن أبي الحديد، محقق / مصحح: ابراهيم، محمد ابوالفضل، **مكتبة آية الله المرعشي النجفي**، قم، ١٤٠٤ ق، اول.

ابن بابویه، محمد بن علی (وفات: ۳۸۱ ق) **من لا یحضره الفقیه**، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ١٤١٣ ق، دوم.

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، **زاد المسیر فی علم التفسیر**؛ دار الکتاب العربی، بیروت، ١٤٢٢ ق، اول، تحقیق: عبدالرزاق المهدی.

ابن عاشور، محمد بن طاهر، **التحریر و التنویر**؛ موسسه التاریخ، بیروت، اول.

ابن هشام، حمیری معافری (۲۱۸ ق)، **زندگانی محمد ص**، سید هاشم رسولی محلاتی، کتابچی، قم، ۱۳۷۵ ش، پنجم.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (وفات: قرن ٦) **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیرالقرآن**، تحقیق: محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ١٤٠٨ ق، اول.

آلوسی، سید محمود، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**؛ دارالکتب العلمیه، بیروت، ١٤١٥ ق، اول، تحقیق: علی عبدالباری عطیة.

برقی، احمد بن محمد بن خالد، (وفات: ٢٧٤ ق یا ٢٨٠ ق) **المحاسن**، محقق / مصحح: محدث، جلال الدین، دار الکتب الإسلامیة، قم، ۱۳۷۱ ق، دوم.

بیضاوی، عبد الله بن عمر (قرن: ۷) **أنوار التنزیل و أسرار التأویل**، تحقیق: محمد عبد الرحمن المرعشلی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ١٤١٨ ق، اول.

پاینده، ابو القاسم (وفات: ۱۳٦۳ ش) **نهج الفصاحة** (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ص) دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲ ش، چهارم.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (وفات: ٥٥٠ ق) **تصنیف غرر الحکم و درر الکلم**، محقق / مصحح: درایتی، مصطفی، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳٦٦ ش، اول.

جزایری، ابو بکر جابر (قرن: ۱۵) **ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر**، **مکتبه العلوم و الحکم**، مدینه

منوره، ١٤١٦ ق، اول.

جعفربن محمد ع، (وفات: ١٤٨ ق) **مصباح الشريعة**، اعلمی، بیروت، ١٤٠٠ ق، اول.

جعفریان، رسول، **تاریخ خلفا**، دلیل ما، قم، ۱۳۸۲، دوم.

جعفریان، رسول، سیره رسول خدا، **دلیل ما**، قم، ۱۳۸۰، اول.

حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، (قرن ٥ هـ‍ق) **نزهة الناظر و تنبيه الخاطر**، محقق، مصحح: مدرسة الإمام المهدي عج، مدرسة الإمام المهدي عج، قم، ١٤٠٨ ق، اول.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**؛ دار القلم، بیروت، ١٤١٢ ق، اول. تحقیق: صفوان عدنان داوودی.

زمخشری جادلله محمود، **الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل**؛ دار الكتاب العربی، بیروت، ١٤٠٧ ق، سوم.

سید بن قطب، بن ابراهیم شاذلي (قرن: ١٤) **فی ظلال القرآن، دارالشروق**، بیروت- قاهره، ١٤١٢ ق، هفدهم.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (وفات: قرن ١٠) **الدر المنثور فی تفسیر المأثور**، کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، قم، ١٤٠٤ ق، اول.

شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة؛ (للصبحي صالح)، **هجرت**، قم، محقق / مصحح: فیض الإسلام، ١٤١٤ ق، اول.

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (وفات: ١١٠٤ ق) **وسائل الشیعة**، محقق / مصحح: مؤسسة آل البیت، مؤسسة آل البیت، قم، ١٤٠٩ ق، اول.

صادقی تهرانی، محمد، **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن**؛ انتشارات فرهنگ اسلامی، قم، ١٣٦٥ ش، دوم.

صاوی، احمد بن محمد (قرن: ١٣) **حاشية الصاوی علی تفسير الجلالين**، دار الكتب العلمية، بیروت، ١٤٢٧ ق، چهارم.

طباطبایی، سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ١٤١٧ ق، پنجم.

طبرسی، حسن بن فضل (وفات: قرن ٦) **مكارم الأخلاق**، شریف رضی، قم، ١٤١٢ ق، ١٣٧٠ ش، چهارم.

طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**؛ انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش، سوم، تحقیق: محمد جواد بلاغی.

طوسی، محمد بن الحسن، (٤٦٠ ق)، **الأمالي**(للطوسي)، دار الثقافة، قم، ١٤١٤ ق، اول.

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (قرن: ۱۲) **تفسیر نور الثقلین**، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات اسماعیلیان، قم، ١٤١٥ ق، چهارم.

فخر رازی، محمد بن عمر، **مفاتیح الغیب**؛ دار احیاء التراث العربی، بیروت، ١٤٢٠ ق، چاپ: سوم.

فضل الله، سید محمد حسین، **تفسیر من وحی القرآن**؛ دار الملاك للطباعة و النشر، بیروت، ١٤١٩ ق، دوم.

قرشی، سید علی اکبر، **قاموس قرآن**؛ دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۱ ش، ششم.

قرطبی، محمد بن احمد، **الجامع لأحکام القرآن**؛ انتشارات ناصر خسرو، تهران، ١٣٦٤ ش، اول.

قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (وفات: قرن ۱۲) **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**، تحقیق: حسین درگاهی، سازمان چاپ وانتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ١٣٦٨ ش، اول.

کراجکی، محمد بن علی، (م ٤٤٩ ق) **کنز الفوائد**، محقق / مصحح: نعمة، عبد الله، دارالذخائر، ایران؛ قم، ١٤١٠ ق، اول.

مدني شيرازي، علی خان بن أحمد (وفات ۱۱۲۰ ق) **الطراز الأول و الكناز لما عليه من لغة العرب المعول**، مؤسسه آل البیت(ع) لإحیاء التراث، مشهد، ١٣٨٤ ش، اول.

مراغی، احمد بن مصطفی، **تفسیر المراغی**؛ داراحیاء التراث العربی، بیروت، اول.

مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**؛ ناشر: دار الکتب العلمیة- مرکز نشر آثار علامه مصطفوي، بیروت- لندن- قاهره، سال چاپ: ١٤٣٠ ق، سوم.

مغنیه، محمد جواد (قرن ١٤) **تفسیر الکاشف**، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ١٤٢٤ ق، اول.

مفید، محمد بن محمد (٤١٣ ق) **الإختصاص، الموتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید**، ایران؛ قم، ١٤١٣ ق، اول.

مکارم شیرازی، **تفسیر نمونه**؛ ناصر خسرو، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ١٣٧٤ ش، اول.

نخجوانی، نعمت الله بن محمود (قرن: ۱۰) **الفواتح الالهیة و المفاتح الغیبیة**، دار رکابی للنشر، مصر، ۱۹۹۹ م، اول.